

# بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی با عوامل خانوادگی و شخصیتی آنان

شهلا عطاپور - دکتر باغبان

## مقدمه:

هر سال هزاران هزار دانش‌آموز در ابتدای سال تحصیلی خانه را به قصد مدرسه ترک می‌گویند. این مسیر همه ساله با صرف هزینه‌های دولتی و غیردولتی در طول سال تحصیلی طی می‌شود و این تنها قسمتی از هزینه‌های آشکار می‌باشند. در این میان هزینه‌های پنهان فراوانی وجود دارد که در مقایسه با هزینه‌های آشکار از اهمیت مادی و معنوی بیشتری برخوردار می‌باشند.

کلیه دوره‌های رشد اهمیت خاص خود را دارند و متأثر از دوره‌های قبل و تأثیرگذار بر دوره بعدی رشد می‌باشند. دوره‌ی راهنمایی به‌واسطه خصوصیات جسمی، عاطفی، اخلاقی، اجتماعی نوجوان شرایط خاص‌تری نسبت به دوره‌های دیگر دارد. انگیزه‌هایی که در این دوره دانش‌آموزان را به سمت مدارس می‌برد، گاه موجب لذت و گاه موجب دل‌سردی و بی‌زاری آنان می‌گردد و گاه دانش‌آموزان هیچ انگیزه‌ای برای رفتن به مدرسه ندارند و تنها به‌عنوان یک راه فرار و گریز از مشکلات به آن می‌نگرد.

بدون شک آن‌چه که دانش‌آموزان را به این سمت و سو هدایت می‌کند، شامل عوامل متعدد و متنوع است. شناخت این عوامل به‌طور انفرادی و در مجموع می‌تواند در هر چه بیشتر و بهتر آموزش و پرورش تأثیر گذاشته، از اتلاف وقت و صرف هزینه‌های سرسام‌آور بدون هدف جلوگیری کند.

بیان مسأله: بسیاری از محققان بر این عقیده‌اند که مفهوم انگیزش توصیف تمایل کلی و تلاش برای رسیدن به هدف‌های معین است. به‌طور کلی انگیزه در مورد تلاش برای انتخاب و

پیروزی بر اهداف جهت‌دار بحث می‌کند و دارای سه بعد، شناختی، عاطفی و رفتاری می‌باشد (هوپ ۱۹۳۰، سیرز ۱۹۴۰، مک‌کلند ۱۹۶۶ به نقل از اتکینسون ۱۹۶۷) از این نقطه نظر مفهوم انگیزش به‌عنوان خصوصیت شخصیتی نسبتاً پایدار به‌کار می‌رود. انگیزش موقتی و انگیزشی که جزء خصوصیات ثابت و پایدار شخص می‌باشد، کاملاً در ارتباط با یکدیگر می‌باشند. در واقع انگیزش پایدار محصول تاریخچه تقویت‌هایی است که فرد برای انگیزه موقتی در همان خصوص دریافت کرده است. عوامل متعددی بر انگیزش موقتی و به‌تبع آن بر انگیزش پایدار فرد می‌تواند تأثیرگذار باشد.

انگیزه پیشرفت تحصیلی به‌عنوان یکی از انگیزه‌های پیشرفت، نیرویی درونی است که دانش‌آموز را به‌ارزیابی همه جانبه عملکرد خود با توجه به‌عالی‌ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و بر خورداری از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است، سوق می‌دهد. به‌طور معمول از رفتارهای پیشرفت‌گرا و پیامدهای حاصل از این گونه رفتار پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پی‌می‌بریم. دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های مختلف، سطوح مختلفی از انگیزش را نشان می‌دهند، حتی در موقعیت‌های آموزشی نسبت به مواد درسی متفاوت، سطوح مختلفی از انگیزش را نشان می‌دهند. (رولند ۱۹۷۹ به نقل از لوین ۱۹۵۸)

لوین (۱۹۵۸) انگیزش را عالی‌ترین شاه‌راه یادگیری تعریف می‌کند و بدین معنی که هر چه انگیزه فرد برای آموختن و تحصیل بیشتر باشد، فعالیت و تحمل رنج و زحمت بیشتری را برای رسیدن

به هدف نهایی متحمل خواهد شد. مثلاً اگر دانش آموزی دارای انگیزه پیشرفت تحصیلی بالایی باشد، به درس توجه می‌کند، تکالیف درسی را جدی می‌گیرد و علاوه بر آن سعی می‌کند اطلاعاتی بیش از آن چه در کلاس می‌آموزند، یاد بگیرد. با توجه به مطالبی که بیان گردید به نظر می‌رسد که شناسایی عوامل مرتبط با انگیزه پیشرفت تحصیلی و رفع موانع تحصیلی و حتی به وجود آوردن انگیزه پیشرفت از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد یکی از مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های آموزش و پرورش یک کشور را باید کشف علل و عوامل مؤثر بر انگیزش پیشرفت تحصیلی و تقویت و هدایت این انگیزش قرار داد. آنچه که در این مبحث مدنظر است عواملی است که بیشتر در رابطه با عوامل آموزشی می‌باشند. مواردی چون: عزت نفس، جایگاه مهار، یادگیری خود نظم داده شده، اضطراب، خود اثربخشی. کاپلان و ساروک (۱۹۷۵) تأکید دارند که عزت نفس محرکی نافذ و مهم در نظام انگیزشی فرد می‌باشد.

عزت نفس از خود پنداره متفاوت است. خود پنداره عبارت است از مجموعه ویژگی‌هایی است که فرد برای توصیف خویش به کار می‌برد. نحوه شکل‌گیری عزت نفس را از طریق مقایسه خود ایده‌آل و خود ادراک شده می‌توان بررسی کرد.

عزت نفس محصول ارزیابی روش خود تنبیهی و یا خود تشویقی است که به صورت خصوصی و فردی می‌باشد، به عبارت دیگر عزت نفس یک ارزیابی یا قضاوت شخصی در مورد ارزشمندی عمومی است و به یک سری نگرش‌ها و کیفیت خاص منجر می‌شود که در رفتار فرد نمود می‌کند. مدارک غیرقابل انکاری وجود دارد که عزت نفس خیلی بیش از خود تشویقی و یا خود تنبیهی می‌باشد. برای مثال افرادی که عزت نفس پایین دارند احتمال زیادتری دارد که خودشان را تنها و بی‌کس، شرر و رابینسون (۱۹۸۰) خجالتی، زیمباردو (۱۹۷۷) ارزیابی می‌کند. (به نقل از کمزین ۱۳۷۸)

جایگاه مهار از عواملی است که در ارتباط با انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌باشد. در چهارچوب رویکرد یادگیری اجتماعی جایگاه مهار به منزله انتظار تعمیم یافته در مورد پیامدهای رفتارها

و یا رابطه علت و معلولی بین رفتار و پیامد آن تعرف می‌شود. مفهوم علت‌یابی را برنارد واینر (۱۹۶۶) و (بارتل، ۱۹۷۸) به نقل از واینر (۱۹۸۷) در مورد انگیزه پیشرفت تحصیلی به کار بردند، آن‌ها متذکر شدند که استنباط فرد که از علت موفقیت و شکست خود دارند، عامل مهمی است که تعیین کننده‌ی انگیزش پیشرفت تحصیلی و انتظارات آتی آنان از عملکردشان است.

به عقیده زیمرمان (۱۹۹۰) یادگیری رفتاری نیست که بر دانش‌آموز واقع شود، بلکه رفتاری است که به وسیله خود دانش‌آموز کسب می‌شود. یادگیری خود تنظیمی نوعی از یادگیری است که در آن افراد به جای آن که برای کسب دانش و مهارت به معلمان، والدین و دیگر عوامل آموزشی تکیه کنند، شخصاً تلاش‌های خود را آغاز و هدایت می‌کنند. دانش‌آموزی که از ر اهردهای خود نظم داده شده استفاده می‌کند، در سطح بالاتری از پیشرفت تحصیلی قرار دارد.

اضطراب یک احساس ناخوشایند بدون علت واضح خارجی است. اضطراب نه تنها یک علامت ظهور استرس می‌باشد، بلکه می‌تواند به استرس منجر گردد. اضطراب نقش بسیار مهمی در سازگاری اجتماعی دارد و محیط آموزشی و کلاس درس یکی از موقعیت‌های اجتماعی است که دانش‌آموزان پیوسته با آن سروکار دارند و به نظر می‌رسد از عواملی می‌باشد که به نوعی در ارتباط با وضع تحصیلی و انگیزه پیشرفت تحصیلی آنان می‌باشد. طرز نگرش خانواده نسبت به نوجوان در به وجود آمدن حس ارزشمندی در او مؤثر می‌باشد. چنانچه از نوجوان انتظار در حد توان او داشته باشیم، این امر منجر به اعتماد به نفس و عزت نفس در او می‌گردد و به تبع آن اضطراب کاهش می‌یابد.

اثر بخشی خود از طریق قضاوت شخصی در مورد توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد برای انجام تکالیف آموزشی با انگیزه پیشرفت تحصیلی ارتباط پیدا می‌کند.

فرد هر چه نگرش مثبت‌تری نسبت به تحصیل و تأثیر آن در آینده خود داشته باشد، سعی و تلاش بیشتری خواهد کرد و انگیزه بیشتری برای تحصیل و آینده آن خواهد داشت. سعی و تلاش دانش‌آموز نشان دهنده نگرش او نسبت به سمت و سوی تحصیل و

پیامدهای آن است.

با توجه به نظریه سیستمی بودن خانواده و نقش خانواده در زمینه‌های یادگیری و تشویق دانش‌آموزان در دوره‌های پیش از دبستان تا دوره‌های راهنمایی و دبیرستان و ارائه بازخوردهای مثبت و به موقع جهت انجام فعالیت‌های موفق و هدایت فرزندان در زمان بروز شکست، در دانش‌آموزان خصوصیات را به وجود می‌آورد که پایدار شدن این خصوصیات در بین دیگر خصوصیات شخصیتی، دانش‌آموز را به یادگیری هر چه بیشتر ترغیب و تشویق می‌کند و به عبارت دیگر انگیزش پیشرفت تحصیلی را به وجود می‌آورد.

آنچه در این موقعیت مطرح می‌باشد، نحوه ارتباط این عوامل با یکدیگر و انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌باشد. در این پژوهش سعی بر این است که رابطه‌ی میان متغیرهایی مانند عوامل شخصیتی و خانوادگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی مورد مطالعه قرار گیرد.

اهداف پژوهش: در پژوهش حاضر اهداف زیر دنبال می‌شود:  
- بررسی رابطه میان عوامل شخصیتی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر راهنمایی شهر اصفهان.  
- بررسی رابطه‌ی میان عوامل خانوادگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی.  
فرضیه‌های پژوهش:

۱- بین خصوصیات شخصیتی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

۱-۱- بین عزت نفس دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

۲-۱- بین جایگاه مهار دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۳-۱- بین یادگیری خود نظم داده شده دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۴-۱- بین خود اثر بخشی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۵-۱- بین اضطراب عمومی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با

انگیزش پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۶-۱- بین نگرش فردی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آن‌ها رابطه وجود دارد.

۲- بین خصوصیات خانوادگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی رابطه وجود دارد.

۲-۱- میان ساختار خانواده و با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی رابطه وجود دارد.

۲-۲- میان شیوه‌های فرزندپروری والدین و انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

۲-۳- بین عوامل دیگر خانوادگی مانند انتظار والدین از فرزندان، رابطه والدین با مدرسه و میزان رسیدگی به وضع تحصیلی فرزندان با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی رابطه وجود دارد.

تعریف متغیرها:

- متغیر ملاک: شامل انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌باشد و به عنوان عاملی است که دانش‌آموز را به سمت تعیین هدف و سعی در رسیدن به اهداف آموزشی و آموزشی سوق می‌دهد.

- عزت نفس: منظور از عزت نفس بازخوردهای ارزیابی کننده‌ای است که فرد از خود دارد (کوپر اسمیت، ۱۹۶۹) او در تعریف از عزت نفس، رابطه‌ی فرد با همسالان، والدین و مدرسه را در نظر می‌گیرد. (به نقل از ترخان، ۱۳۷۳)

- خود نظم دهی: یادگیری خود نظم یافته نوعی از یادگیری است که در آن دانش‌آموز از راهبردهای شناختی و فرآشناختی جهت انجام تکالیف، نظارت بر آن و اصلاح شناخت را به کار می‌گیرد.

- جایگاه مهار: این متغیر به ارزیابی فرد و نقش خود در پیامدهای مثبت و منفی یک عملکرد اشاره دارد و بر اساس ارزیابی فرد از نقش خود در نتایج حاصل از عملکردهای افراد به دو دسته فرد با جایگاه مهار درونی و جایگاه مهار بیرونی تقسیم می‌شوند.

- خود اثر بخشی: خود اثر بخشی عبارت است از قضاوت‌های فرد در مورد توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و قابلیت‌هایش برای انجام تکالیف ویژه می‌باشد. خود اثر بخشی جزئی از خود پنداره‌ی فردی می‌باشد که به باورهای فرد در مورد توانایی‌های او در انجام

تکالیف اشاره دارد. (به نقل از ترخان، ۱۳۷۳)

- اضطراب: نتیجه‌ای از احتمال وقوع حادثه‌ای بر اساس ارزشیابی شخصی در موقعیت‌های مختلف است. فردی که دچار اضطراب است تمایل کمتری برای انجام یک فعالیت و حتی برقراری ارتباط با دیگران دارد.

- نگرش فرد نسبت به تحصیل: نگرش به ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری یک فرد به طور عام اشاره دارد و نگرش فرد نسبت به تحصیل، اختصاص به افکار و عقاید او در مورد تحصیل دارد و به میزان سعی و تلاش فرد در امور تحصیلی و علاقه فرد به تحصیل اشاره می‌کند.

- شیوه‌های فرزندپروری: از عوامل خانوادگی است که در این پژوهش در رابطه با عامل انگیزش پیشرفت تحصیلی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. این متغیر با توجه به سیستمی بودن خانواده و عقاید والدین در مورد نحوه برخورد با فرزندان در موقعیت‌های مختلف تعریف می‌شود. بر اساس این تعاریف شخصیت و الگوهای رفتاری نوجوانان و همچنین خصوصیتی که در ارتباط با عوامل آموزشی و موقعیت تحصیل می‌باشند و وابسته به نحوه تربیت در دوران کودکی و چگونگی برخورد با آنهاست.

- ساخت خانواده: ساخت خانواده به روابط درون خانواده و کنش‌های میان آنها اشاره دارد. خانواده سیستمی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مرادده‌ای با کنش‌های تکراری صورت می‌گیرد.

- انتظار والدین از فرزندان، رابطه میان والدین و مدرسه، تعامل والدین و فرزندان در خصوص انجام تکالیف تحصیلی: انتظاراتی که والدین از فرزندان در انجام تکالیف درسی و موفق شدن آنها دارند، نوع رفتارهایی که والدین در مقابل بروز مشکلات درسی فرزندان از خود نشان می‌دهند، میزان تجهیز فرزندان با وسایل و لوازم درسی و کمک درسی و همچنین میزان رابطه‌ای که والدین با مدرسه و اولیای مدرسه دارند، از مواردی است که می‌تواند بر انگیزش پیشرفت تحصیلی تأثیر بگذارد.

- دوره راهنمایی: منظور دوره‌ای است که حد فاصل میان دوره متوسطه و ابتدایی می‌باشد.

- متغیر کنترل: شامل معدل دانش‌آموز می‌باشد.

جامعه آماری: جامعه آماری شامل دختران و پسران پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی راهنمایی می‌باشد که در سال ۱۳۸۰-۱۳۷۹ در یکی از مدارس راهنمایی شهر اصفهان ثبت نام نموده‌اند. تعداد کل جامعه مورد تحقیق ۳۰۱۱۴ نفری می‌باشد که ۱۶۰ نفر آنها به طریق نمونه‌گیری چند مرحله‌ای طی سه مرحله انتخاب شده‌اند. بدین منظور از بین نواحی پنجگانه شهر اصفهان از هر ناحیه یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه، در مرحله اول به طور تصادفی انتخاب شدند سپس از میان کلاس‌های موجود در این مدارس در مرحله دوم یک کلاس دوم و یک کلاس سوم به طور تصادفی انتخاب شدند. در مرحله سوم از میان دانش‌آموزان دو کلاس هشت نفر کلاس دومی و هشت نفر کلاس سومی با توجه به معدل نوبت قبل جهت نمونه مورد بررسی انتخاب و در اجرای آزمون‌ها شرکت داده شده‌اند. مجموعاً ۱۰ مدرسه و از هر مدرسه ۱۶ دانش‌آموز در تحقیق شرکت کرده‌اند.

جدول شماره (۱) مشخصات نمونه آماری مورد مطالعه

جنس	کلاس دوم	کلاس سوم	جمع	کاهش
دختر	۳۶	۳۹	۷۵	۵
پسر	۳۰	۳۹	۶۹	۱۱
مجموع	۶۶	۷۸	۱۴۴	۱۶

ابزار جمع آوری اطلاعات:

الف: مقیاس انگیزه پیشرفت تحصیلی

ب: ۴ - ابزار اندازه‌گیری خود نظم دهی

ب: ۵ - ابزار اندازه‌گیری اضطراب عمومی

ب: ۶ - ابزار اندازه‌گیری نگرش فردی به تحصیل

ج: ابزارهای اندازه‌گیری عوامل خانوادگی شامل

- ابزارهای اندازه‌گیری شیوه‌های فرزند پروری

- مقیاس ساخت خانواده

- مقیاس اندازه‌گیری انتظارات والدین از فرزندان، رابطه والدین با

مدرسه و تعامل تحصیلی والدین و فرزندان

## روش:

در این پژوهش از روش توصیفی از نوع همبستگی استفاده شده است. هدف از روش همبستگی بررسی روابط میان متغیرهاست.

## یافته‌ها:

در این پژوهش فرضیه‌های زیر مورد بررسی قرار گرفته‌اند و یافته‌های زیر به دست آمده است.

فرضیه ۱ - بین خصوصیات شخصیتی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی رابطه وجود دارد.

۱-۱ - بین عزت نفس دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش در جهت حمایت از این فرضیه در نمونه پسران بوده است، ( $r = -0.27$ ،  $p > 0.01$ ) اما در کل نمونه و دختران نتایج به دست آمده در جهت حمایت از این فرضیه نبود و رابطه‌ای میان این متغیر دیده نشد.

نتایج حاصله از این پژوهش هم‌سو با کمر زبین (۱۳۷۳)، و براتی (۱۳۷۱) می‌باشد و با نتایج به دست آمده با پژوهش‌های مختاری (۱۳۷۹)، قناد (۱۳۷۵)، عرفانی (۱۳۷۴)، شکرکن و نیسی (۱۳۶۴)، شاهسونی (۱۳۷۹)، هم‌سو نمی‌باشد.

نتایج به دست آمده از پژوهش‌های به دست آمده نیز حاکی از، ناهم‌ساز بودن نتایج می‌باشد. اما نکته مهم این است که رابطه میان عزت نفس پسران و انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان یک رابطه منفی می‌باشد. بدین معنی که هر چه بر میزان عزت نفس افزوده می‌گردد از انگیزش پیشرفت تحصیلی کاسته می‌شود. احتمالاً موفقیت در مورد دیگری به جز امور تحصیلی در افزایش عزت نفس مؤثر است و یا پسران از عزت نفس بالای خود در امور دیگری استفاده می‌کنند که خود نیاز به پژوهشی مجزا و گسترده دارد. به نظر می‌رسد شرایط جامعه به سرعت رو به تغییر می‌باشد و یکی از نمادهای آن بی‌ارتباطی عزت نفس با انگیزش پیشرفت تحصیلی در دختران و وجود ارتباط منفی بین این دو متغیر در پسران است. با این ادله شاید بتوان به عوامل دیگری در افت تحصیلی و کاهش انگیزش پیشرفت تحصیلی اشاره نمود که فراتر

از یک یا دو عامل شخصیتی است.

تحقیق نشان می‌دهد دانش‌آموزان مورد مطالعه، واجد عزت نفس بالای میانگین هستند. اما به نظر می‌رسد این عزت نفس را ( $x = 80/68$ ) از طریق مدرسه کسب نکرده‌اند که در جهت پیشرفت تکالیف تحصیلی آن‌را به کار گیرند. پیش‌نهاد می‌شود که تحقیقات دیگری جهت روشن شدن مسیر به کارگیری عزت نفس باید انجام گردد.

در دختران نیز با توجه به میانگین ( $x = 81/93$ ) همین مورد صادق می‌باشد. دانش‌آموزان از طریق کسب نمرات بالا به تنهایی عزت نفس و مخصوصاً عزت نفس تحصیلی خود را رشد نمی‌دهند، بلکه کسب نمرات خوب و تشویق و ترغیب آموزگاران و والدین به دنبال نمرات خوب است، که سبب افزایش عزت نفس، عزت نفس تحصیلی و به دنبال آن انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌گردد. به نظر می‌رسد که عوامل مرتبط با وضع تحصیلی در دانش‌آموزان نتوانسته به خوبی نقش خود را به عنوان راهنما و رشد دهنده‌ی عزت نفس ایفا کند و به همین سبب احتمالاً میان انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر و عزت نفس آن‌ها رابطه‌ای دیده نمی‌شود و در پسران این رابطه معکوس می‌باشد.

۲-۱ - بین جایگاه مهار درونی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

نتایج به دست آمده از تحلیل اطلاعات از کل نمونه و گروه دختران در جهت حمایت از این فرض بود. نتیجه به دست آمده در این پژوهش هم‌سو با مختاری (۱۳۷۹)، کوپر اسمیت (۱۹۸۳) می‌باشد. این محققان در پژوهش‌های خود گزارش کرده‌اند که بین جایگاه مهار درونی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی و یا انگیزه پیشرفت رابطه وجود دارد.

در گروه نمونه پسران نتایج به دست آمده عکس نمونه دختران بوده است به این معنی که جایگاه مهار بیرونی در رابطه با انگیزش پیشرفت تحصیلی می‌باشد. ( $r = 0.215$  و  $p > 0.05$ ) که خود جای بحث دارد و می‌تواند با نتایج به دست آمده باشد در رابطه میان عزت نفس با انگیزش پیشرفت تحصیلی با پسران مرتبط باشد. (فرض ۱-۱)

جایگاه مهار درونی در پسران از طریق عزت نفس با انگیزش

پیشرفت تحصیلی ارتباط پیدا می‌کند و همان‌طور که اشاره گردید این یک رابطه منفی است. با ذکر این نکته که تفاوتی میان گروه دختران و پسران از لحاظ عزت نفس، جایگاه مهار درونی و جایگاه مهار بیرونی وجود ندارد، نشان می‌دهد که اساساً پسران کمتر به درس علاقه دارند و کوشش خودانگیزانه‌ای در جهت انجام تکالیف تحصیلی از خود نشان نمی‌دهند. چنانچه موفقیتی کسب کنند آن را به عوامل بیرونی نسبت می‌دهند.

۳-۱ - بین یادگیری خود نظم داده شده دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد. تحلیل اطلاعات نشان دهنده‌ی این امر است که نتایج به‌دست آمده در جهت حمایت از این فرض عنوان شده، نمی‌باشد و بین این دو متغیر رابطه‌ای دیده نمی‌شود.

نتیجه به‌دست آمده در جهت و هم‌سو با نتیجه به‌دست آمده با رفیعیان (۱۳۷۹) می‌باشد، و ناهم‌سو با نتایج به‌دست آمده از پژوهش‌های نکویی (۱۳۷۸)، موسوی‌نژاد (۱۳۷۶)، پتربچ و دی گروت (۱۹۹۰)، چانک (۱۹۹۱) می‌باشد.

۴-۱ - بین خود اثر بخشی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی و انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

تحلیل اطلاعات نشان داده است که در کل نمونه و گروه دختران بین خود اثر بخشی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه‌ای دیده نمی‌شود. اما در گروه پسران بین این دو متغیر رابطه وجود دارد که در سطح  $(P > 0/05)$  معنی‌دار می‌باشد.

نتیجه به‌دست آمده از لحاظ کلی با هیچ‌کدام از پژوهش‌های مطالعه شده، هم‌سو نبوده است. مثلاً براتی (۱۳۷۱) عکس گزارش موجود را در پژوهش آورده است. براتی در گزارش نتایج حاصل از پژوهش خود چنین نوشته است که بین خود اثر بخشی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر رابطه وجود ندارد ولی در نمونه‌ی دختران این رابطه دیده شده است.

۵-۱ - بین اضطراب عمومی با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نتیجه به‌دست آمده در این پژوهش نشان می‌دهد که بین این دو متغیر رابطه‌ای وجود ندارد و نتایج به‌دست آمده در جهت رد فرض عنوان شده در پژوهش بوده است.

مقدار میانگین و انحراف به‌دست آمده نیز در هر دو نمونه تقریباً مشابه یکدیگر می‌باشد. (در پسران  $61/67 = \bar{x}$  و در دختران  $61/89 = \bar{x}$ ) میانگین نمرات با توجه به امکان کسب ۱۰۸ امتیاز از مقیاس نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ اضطراب در سطح بالایی قرار ندارند و به‌عبارت دیگر از اضطراب زیادی برخوردار نیستند.

۶-۱ - بین نگرش فردی به‌تحصیل با انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی رابطه وجود دارد.

یافته‌های تحقیق حاضر نشان می‌دهد که بین انگیزش پیشرفت تحصیلی با نگرش فردی به‌تحصیل در نمونه کل و گروه دختران رابطه‌ای دیده نمی‌شود، ولی بین نگرش فردی گروه پسران نسبت به‌تحصیل و انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.  $(r = 0/04 < p)$

طالب‌زادگان (۱۳۷۸) از عوامل مرتبط با انگیزش پیشرفت تحصیلی را عوامل فردی و نگرش فرد نسبت به‌تحصیل ذکر کرده است که تا حدی هم‌سو با نتیجه به‌دست آمده در پژوهش می‌باشد.

۲ - بین خصوصیات خانوادگی دانش‌آموزان با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد.

۲-۱ - بین شیوه‌های فرزندپروری والدین و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی رابطه وجود دارد.

شیوه فرزندپروری مقتدرانه با انگیزش پیشرفت تحصیلی در پسران رابطه با  $(r = 0/026 > p)$  را نشان می‌دهد و شیوه‌ی فرزندپروری سهل‌گیرانه در پسران رابطه با  $(r = 0/056 > p)$  را نشان می‌دهد.

دو مسأله زیر را می‌توان به‌عنوان یک مبحث در این خصوص ارائه داد:

اول این‌که ابزار به‌کار گرفته شده می‌تواند به‌جای اقتدار، سلطه را القا کند. بدین معنی که ممکن است از نظر والدین اقتدار واقعاً به‌معنای اقتدار باشد ولی از دیدگاه نوجوان نوعی استبداد باشد. به‌همین جهت شیوه‌ی فرزندپروری به‌صورت سهل‌گیرانه رابطه‌ی مثبتی را با انگیزش پیشرفت تحصیلی نشان می‌دهد.

دوم باید این را نیز مورد دقت قرار داد که آیا خانواده‌ها واقعاً به‌اعتقادات خود در مورد این‌که باید و می‌خواهند خانواده

مقتدري باشند عمل مي‌کنند يا خير؟ گرچه نگرش، تشکيل دهنده‌ي بعد عاطفي رفتار مي‌باشد اما هميشه فرد مطابق عواطفش عمل نمي‌کند و حتي مي‌توان اين نکته را نيز مورد توجه داشت که آزمودني‌ها ممکن است پرسشنامه‌ها را نه با توجه به واقعيت بلکه با در نظر گرفتن آرزوها و تمايلات دروني خود جواب داده‌اند.

مسئله ديگر اين است که پسران در سن نوجواني تمايل به استقلال ولو در حد ذهني از والدين خود دارند، احتمالاً به اين دليل خانواده‌هايي که فرزندان خود را به حال خود گذاشته‌اند و به عبارتي ديگر سهل‌گير هستند در جهت رشد انگيزش پيشرفت تحصيلي آن‌ها موفق‌تر بوده‌اند.

۲-۲ - بين ساختار خانواده با انگيزش پيشرفت تحصيلي دانش‌آموزان دوره‌ي راهنمايي رابطه وجود دارد.

نتايج حاصله از تحليل اطلاعات نشان داد که سلسله مراتب قدرت در خانواده با انگيزش پيشرفت تحصيلي در رابطه مي‌باشد. که نتيجه تحقيق حاضر هم‌سو با نتايج گزارش شده از تحقيقات موسوي نژاد (۱۳۷۰)، الهام‌پور (۱۳۷۵) مي‌باشد. نتايج گزارش شده در خصوص نمونه‌ي دختران مي‌باشد، در حالي که بين ساختار خانواده با انگيزش پيشرفت تحصيلي در گروه پسران رابطه‌اي ديده نمي‌شود.

به نظر مي‌رسد نتيجه حاصل در اين فرضيه با فرضيه قبلي که با شيوه فرزندپروري مقتدرانه با انگيزش پيشرفت تحصيلي در پسران رابطه منفي داشت، هم‌سو مي‌باشد. از لحاظ منطقي خانواده مقتدر، خانواده‌اي است که در سلسله مراتب قدرت به طور منطقي نمره بالايي کسب مي‌کند. با توجه به اين که پسران تمايل بيشتري به استقلال و عدم وابستگي دارند به نظر منطقي مي‌رسد که وجود سلسله مراتب قدرت در خانواده نيز رابطه‌اي با انگيزش پيشرفت تحصيلي آنان نداشته باشد. مي‌توان در توجه به تمايزات بين دختران و پسران از لحاظ اتخاذ شيوه‌هاي تربيتي در مورد آنان، نحوه برخورد جامعه با آنان، هم‌چنين انتظاراتي که جامعه از هر کدام از آنان به عنوان نقش‌هاي قالبی جنسي دارد اشاره نمود. اين را مي‌توان به عنوان دليلي براي وجود رابطه بين سلسله مراتب قدرت در خانواده با انگيزش پيشرفت تحصيلي دختران به حساب آورد. دختران برعکس پسران تمايل بيشتري براي وابسته بودن

به خانواده و جلب توجه آنان دارند.

۲-۱ - بين انتظارات والدين از فرزندان با انگيزش پيشرفت تحصيلي دانش‌آموزان دوره‌ي راهنمايي رابطه وجود دارد. نتايج حاصله نشان مي‌دهد که بين انتظارات والدين از فرزندان با انگيزش پيشرفت تحصيلي رابطه وجود دارد که در سطح  $r=0/04$  معني‌دار است. نتيجه به دست آمده در جهت حمايت از فرضيه فوق مي‌باشد.

نتايج به دست آمده هم‌سو با تحقيق کریمی (۱۳۶۹) مي‌باشد. به نظر مي‌رسد که فرزندان آيينه‌اي هستند که والدين گذشته خود را در آن مي‌بينند، به قولی آرزوها، خواستها و تمايلات ارضا نشده خود را مي‌خواهند ارضا کنند. والدين از طريق کنترل وضع تحصيلي، بيان ضمني و صريح انتظارات خود از فرزندان نشان مي‌دهند.

داشتن انتظارات خارج از توان از فرزندان و اتخاذ شيوه‌هاي شديد و سخت براي کسب انتظارات خود مي‌تواند نتيجه عکس را حاصل کند.

۳-۱ - بين رسيدگي به وضع تحصيلي فرزندان با انگيزش پيشرفت تحصيلي آنان رابطه وجود دارد.

تحليل اطلاعات کسب شده نشان داد که بين اين دو متغير رابطه وجود دارد و اين نتيجه در جهت حمايت از فرض عنوان شده در پژوهش مي‌باشد.  $r=0/03$  و  $p < 0/03$

نتيجه به دست آمده هم‌سو با طالب‌زادگان (۱۳۷۸) مي‌باشد و

با نتيجه به دست آمده توسط کریمی (۱۳۶۹) هم‌سو نيست. خانواده‌هايي که در خريد انواع کتاب‌هاي کمک درسي علاقه وافري از خود نشان مي‌دهند معمولاً خانواده‌هايي هستند که نگرش مثبت‌تري نسبت به تحصيل و پيامدهاي ناشی از آن دارند. آن‌ها آمادگي خود را براي صرف هزينه‌هايي علاوه بر آنچه ديگران مي‌پردازند اعلام مي‌کنند و هميشه به دنبال علل بروز ضعف درسي مي‌باشند و سعی در رفع اين علل و عوامل دارند.

۳-۵ - بين انگيزش پيشرفت تحصيلي دانش‌آموزان دوره راهنمايي و ارتباط والدين آن‌ها با مدرسه رابطه وجود دارد.

اين فرض توسط اطلاعات به دست آمده و تحليل آن‌ها حمايت نشد و نتايج حاصل از پژوهش نشان داد که بين اين دو متغير رابطه

وجود ندارد.

الحسینی (۱۳۷۷) نیز در پژوهش خود به این نکته اشاره کرده است که بین ارتباط والدین با مدرسه با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه وجود دارد. که نتیجه حاصل از این پژوهش با پژوهش او هم سو می باشد.

ارتباط والدین دانش آموز با مدرسه این تفکر را به وجود می آورد که والدین نه تنها به طور ذهنی بلکه به طور عملی نیز اهمیت تحصیلی و درسی آنان را مد نظر دارند و این خود باعث غرور آنها در مدرسه می گردد. غرور ناشی از اهمیت دادن والدین به مدرسه آنان به خودی خود باعث پیشرفت تحصیلی آنان می گردد و کسب نمرات بالا نگرش آنان را نسبت به تحصیل مثبت نموده که این خود نقش مؤثری را در انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان بازی می کند. از سوی دیگر حضور والدین در مدرسه باعث افزایش توجه آموزگاران و هم کلاسی ها به دانش آموز خواهد شد و دانش آموز با توجه بیشتر به امور تحصیلی سعی می کند بیش از پیش توجه دیگران را به خود جلب نموده و از این طریق خود را خشنود سازد.

محاسبه رگرسیون چند گانه جهت تعیین سهم متغیرهای مؤثر بر انگیزش پیشرفت تحصیلی نشان داد که سهم مؤثر اصلی در رابطه با انگیزش پیشرفت تحصیلی کانون مهار درونی می باشد. ( $X=۰.۲$  و  $T=۲/۲۹۴$ )

رابطه بین این دو متغیر یک رابطه ی یک طرف و مطلق نمی باشد. نتایج حاصله از تحلیل اطلاعات نشان می دهد که جایگاه مهار درونی خود نیز در ارتباط متقابل با متغیرهای دیگر می باشد. می توان این گونه فرض کرد که برخی دیگر از متغیرها نقش خود را از طریق این متغیرها در رابطه با انگیزش پیشرفت تحصیلی ایفا می کنند.

اطلاعات به دست آمده از پژوهش نشان داد، که در دختران عوامل خانوادگی بیشتر در رابطه با انگیزش پیشرفت تحصیلی است و عوامل شخصیتی از طریق عوامل خانوادگی با انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه برقرار می کند. در حالی که در پسران برعکس عوامل شخصیتی بیشتر در ارتباط با انگیزش پیشرفت تحصیلی است. به نظر می رسد که پسران از استقلال بیشتری نسبت

به خانواده بر خورد دارند و کمتر نیازمند توجه والدین به امور تحصیلی خود هستند و احتمالاً بنابر شرایط و موقعیت جامعه تأثیر کمتری را در امور تحصیلی از والدین می پذیرند. در صورتی که دختران بیش از پسران تمایل دارند که کانون توجه و محبت والدین باشند.

تحلیل واریانس متغیرهای مورد بحث در پژوهش: در بررسی وضعیت شرایط دو جنس نسبت به یکدیگر با استفاده شیوه آماری، تحلیل واریانس نشان داد که در کلیه متغیرهای مورد بررسی جنسیت نقش مهمی را ایفا نمی کند و تنها تفاوتی که دو جنس نشان می دهد در رسیدگی به وضع تحصیلی دانش آموزان دختر می باشد.

### پیش نهادها:

با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهادهایی

الف - جهت انجام پژوهش های بعدی

ب - کاربرد نتایج پژوهش حاضر به منظور دستیابی مؤثرتر به اهداف تعیین شده تقدیم می گردد.

الف - پیشنهادهای کاربردی:

- تمهیداتی در خصوص هدایت عزت نفس و دیگر عوامل شخصیتی در مسیر کانال های آموزشی انجام گیرد.

- در آموزش خانواده ها بر نقش این متغیرها در انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و نقش خانواده در شکل گیری خصوصیات شخصیتی فرزندان شان تاکید بیشتری شود.

- از آنجایی که رابطه بین متغیرهای شخصیتی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یک رابطه ی متقابل می باشد آموزگاران در ارائه بازخوردها به دانش آموزان نهایت دقت و ملاحظات فردی را در نظر داشته باشند.

- آشنا کردن خانواده ها با شیوه های مختلف تربیتی و روان شناسی کودک قبل از تشکیل خانواده از طریق مؤسسات و نهادهای فرهنگی مربوط و بعد از تشکیل خانواده در مدارس می تواند جانشین پیشگیری به جای درمان گردد.

ب - پیشنهادهای پژوهشی:

- تحقیقاتی در خصوص این که چرا عزت نفس دانش آموزان پسر با انگیزش پیشرفت تحصیلی آنان رابطه ی منفی دارد، انجام



گیرد.

- بهتر است که در این گونه پژوهش‌ها یک یا دو فاکتور مورد بررسی قرار گیرد. ازدیاد پرسشنامه‌ها موجب تکرار اجرا و خستگی آزمودنی خواهد شد.

- در خصوص یک درس مثلاً ریاضی یا ادبیات و یا ... انجام گیرد.

- چنانچه مقدور است این مطالعه در خصوص سایر نهادها (جامعه و نهادهای اجتماعی) که در رابطه با نوجوانان هستند انجام شود.

- مطالعه در مناطق دیگر (شهرستان‌ها) انجام شده و ملاحظات فرهنگی در آن در نظر گرفته شود.

### منابع:

- پرورش استان خوزستان.
- عرفانی، نصرالله، ۱۳۷۴، بررسی رابطه تجارب موفق و ناموفق تحصیلی با عزت نفس دانش‌آموزان، اداره کل آموزش و پرورش استان کردستان.
- قناد، محمد، ۱۳۷۵، بررسی رابطه تأثیر عزت نفس و وضعیت اجتماعی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر و دختر سال دوم دبیرستان‌های بوشهر، ناظر: دکتر علی دلآور، شورای تحقیقات آموزش و پرورش.
- کاپلان و ساروک، ۱۹۷۵، خلاصه روان‌پزشکی.
- کریمی، قاسم، ۱۳۷۹، بررسی علل موفقیت تحصیلی مدارس دخترانه مقطع راهنمایی کشور، نشریه تربیت، شماره ۹ ص: ۴۸-۵۱.
- کمر زرین، حمید، ۱۳۷۳، مطالعه پیرامون عزت نفس و عملکرد تحصیلی گروهی از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی دزفول، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، راهنما: دکتر محمد مزیدی، دانشگاه شیراز.
- مختاری، احمد، ۱۳۷۹، بررسی عوامل مؤثر در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارای مشکلات حاد خانوادگی سال سوم راهنمایی شهر اصفهان، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- موسوی شوشتری، قیسی و شکرکن، ۱۳۷۵، بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی - اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی شهر اهواز، پنجمین همایش ارائه یافته‌های پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- موسوی نژاد، عبدالمجید ۱۳۷۶، بررسی رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خود نظم داده شده با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- نکویی، بیوک، ۱۳۷۸، رابطه خلاقیت، باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری، خود نظم بخش، مرکز تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- ورناصری، حشمت، ۱۳۷۵، رابطه بین عزت نفس، خلاقیت، جایگاه مهار، و خودپای با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال دوم نظام جدید شهر مسجدسلیمان، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان
- Atilinsok, j, (1964) an introduction to motivation,, Newyork, van Nostrand.
- Cooper smith, s. A method for determing typ of self-steem, journal of abhormal and social psychology (1969), Vol 59,87, 74.
- Lewin, k, (1958) principle of topological psychological, Newyork: Macgrow-hill
- Pintrich, R. & Degroote. (1990) Motivational and self regulated Learning components of Classroom academic peformance. Journal of educational psychology , 82 (1),33 ,40
- Shunk , d.h, & Marsel, 1, (1991) sex differencies in self efficacy and attribution: influnce of performance feed back, journal of early adulescence, vol 4 (3), 203-21
- Weiner, b, (1986) an attributional theory of motivation and emotion, Newyork: spring verlag.
- Zimmerman. b. j, Martinzpons, m, (1990) student differencies in self regulated learning. Relating grade , sex and gittedness to self efficacy, an strategy vol (1), 51-59.

- اتکینسون (۱۹۶۷)، ریتا، ترجمه براهنی، زمینه روان‌شناسی، ج ۲، انتشارات رشد، ۱۳۷۰.
- الهام پور، حسین، ۱۳۷۵، بررسی عوامل مهم افت تحصیلی دانش‌آموزان دختر سال سوم راهنمایی شهر اهواز، پنجمین همایش ارائه یافته‌های پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی استان خوزستان.
- الحسینی، مصطفی، ۱۳۷۷، بررسی پاره‌ای از ویژگی‌های دانش‌آموزان ممتاز و ارائه الگوی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه استان مرکزی، استاد ناظر زهره سرمد، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی.
- بیابانگرد، اسماعیل، ۱۳۷۰، بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی پسران سال سوم دبیرستان‌های تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، راهنما: علی اکبر سیف، دانشکده علامه طباطبایی
- براتی، سیامت، ۱۳۷۶، بررسی ساده و چندگانه متغیرهای خود اثربخشی، عزت نفس، خودپای و عملکرد تحصیلی ... اهواز.
- ترخان، مرتضی، مؤلفه‌های اساسی عزت نفس، استعدادهای درخشان، سال سوم، بهار ۱۳۷۳، شماره اول.
- رحیمی، زهرا، ۱۳۷۹، بررسی اضطراب دانش‌آموزان دوره متوسطه و پیش‌دانشگاهی شهرستان شهرضا، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان
- رفعیان، کیوان، ۱۳۷۹، رابطه راهبردهای یادگیری خودگردان، مؤلفه‌های انگیزشی (خودکارآمدی، ارزش‌های درون‌زاد، اضطراب امتحان) و هوش با همدیگر و با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال دوم، شهر اهواز، استاد راهنما دکتر حسین شکرکن، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان، پایان نامه.
- شاهسونی، سودابه، ۱۳۷۹، بررسی کاهش انگیزه به تحصیل در دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری شهر اصفهان، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- شکرکن، حسین، ۱۳۷۴، بررسی رابطه انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر دوره راهنمایی اهواز، سومین سمینار ارائه یافته‌های پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی
- صحرايي و همکاران، ۱۳۷۳، بررسی رابطه عملکرد تحصیلی با هوش و برخی از متغیرهای انگیزشی و شخصیتی در دانش‌آموزان دبیرستان‌های دخترانه اهواز، سومین سمینار یافته‌های پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی استان خوزستان.
- طالب‌زادگان، میترا، ۱۳۷۸، بررسی عوامل مؤثر در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان موفق دختر سال سوم راهنمایی شهر اهواز، ناظر: حسین الهام‌پور، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و